

## جایگاه نگرش جامعه‌شناسی محیط‌زیستی در ایران

دکتر مهدی کلاهی؛ دکترای جامعه‌شناسی محیط‌زیستی و کنشگر

محیط‌زیست

۵ اسفند ۱۳۹۳

شماره: ۶۳: ۱۱۰۰

نوشتار پیش رو، بی‌تفاوتی مردم نسبت به مشکلات محیط‌زیستی و سکوت جامعه‌شناسان به این مشکلات را به چالش می‌کشد و در پایان، دو پیشنهاد برای وزارت علوم و بخش‌های علمی و اجرایی مرتبط با طبیعت ارائه می‌دهد.

حجم خبرها و آگاهی‌رسانی‌ها در مورد آلودگی‌های هوا، آب و خاک، خشکسالی، انقراض حیات‌وحش و زیستگاه‌ها، رژیم غذایی ناسالم و محصولات بی‌کیفیت، نابودی محیط‌زیست، و همه و همه آن قدر است که دست‌کم، در این برهه از تاریخ اکثر مردم در مورد آن‌ها شنیده‌اند. ولی واکنش انفعالی آنان نسبت به این پیراسنجه‌های حیاتی نشانگر چیست؟ چرا اغلب مردم نشیندن این مشکلات محیط‌زیستی را به شنیدن‌شان ترجیح می‌دهند؟ یا حداقل هیچ واکنشی نسبت به آن‌ها نشان نمی‌دهند؟

توسعه پایدار شامل سه اصل محیط‌زیست، جامعه و اقتصاد است. یعنی، به زبانی ساده، توسعه‌ای پایدار است که باعث تخریب محیط‌زیست نشود، ولی به افزایش کیفیت زندگی و رونق اقتصادی منجر شود. حال آیا توسعه‌هایی که در ایران صورت گرفته‌اند، پایدار هستند؟ شکی نیست که حتی خود دولتمردان هم بر عدم موفقیت‌شان واقف‌اند به طوری که سخنان اخیر دکتر کلانتری، وزیر پیشین کشاورزی و دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۲ بهمن ۱۳۹۳)، بسیار تأمل‌برانگیز بوده و به‌روشنی هر چه صریح‌تر آن را ترسیم کرده است. یعنی داد خود دولتمردان از عملکرد اشتباهشان بلند شده است. ولی جامعه انگارانه‌انگار! چرا؟ توگویی جملگی به روزمرگی خود مشغول و به اساس پایداری درازمدت، بی‌توجه. در اینجا شاید این پرسش خیلی‌ها باشد که از نظر جامعه‌شناسی، چه اتفاقی افتاده که اغلب ایرانیان چنین نسبت به مسائل محیط‌زیستی بی‌تفاوت شده‌اند؟

وقتی در دهه ۱۹۷۰ میلادی، دانشمندان جهان به این نتیجه رسیدند که مسائل و مشکلات محیط‌زیستی، مسائل و

مشکلات اجتماعی هستند، اکثر جامعه‌شناسان برتر دنیا هیچ ایده‌ای برای این مفهوم نداشتند. ولی کوشیدند تا مفاهیم جامعه‌شناسی را با محیط‌زیست تلفیق کنند و سپس واژه ترکیبی «جامعه‌شناسی محیط‌زیستی» را معرفی کردند. پس از ۴ دهه از چنین درکی در سطح جهانی، آیا اساتید علوم اجتماعی ما با این واژه آشنا هستید؟ آیا جامعه‌شناسان ما قدمی در راه «جامعه‌شناسی محیط‌زیستی» برداشته‌اند؟ پاسخ روشن است. در حقیقت، اگر چنان نگرشی غالب بود، الان چنین حجم بزرگی از مشکلات محیط‌زیستی نداشتیم. متأسفانه باید گفت که اکنون اکثر ایده‌های جامعه‌شناسی ما، نظری و محض بوده و می‌توان گفت فاقد کاربرد اجرایی و سوددهی در راه توسعه پایدار است.

### سخنم را با دو پیشنهاد به پایان می‌رسانم:

۱- با توجه به اینکه تمام علوم به‌نوعی وابسته یا مرتبط به محیط‌زیست هستند و متأسفانه گاهی مشاهده‌شده که برخی از کارشناسان سایر رشته‌ها، دانایی ابتدایی مسائل مربوط به محیط‌زیست و توسعه پایدار را نمی‌دانند و لذا طرح‌های خود را ناخودآگاه بدون ملاحظات محیط‌زیستی برنامه‌ریزی می‌کنند، لازم است وزارت علوم درس‌های «اخلاق محیط‌زیستی» و «شناخت محیط‌زیست» را برای مقطع تحصیلی کارشناسی تمامی رشته‌ها اجباری کند.

۲- پیشنهاد دیگرم در مورد آگاهاندن درست و دعوت از مردم برای همکاری در بهبود وضعیت محیط‌زیست است. بدانیم که مردم تهدید نیستند بلکه اگر آگاه شوند، فرصت‌اند. پس درخواست دارم از رسانه ملی، جامعه‌شناسان، اساتید و روسای سازمان‌های مرتبط به طبیعت، که به دنبال راهکارهایی بگردند که مشکلات محیط‌زیستی، دل‌مشغولی هر روز مردم شوند تا به کمک جامعه، فعالیت‌های منجر به دستبرد و تخریب محیط‌زیست را کاهش یا حذف کنیم.

### واژه‌های کلیدی:

جامعه‌شناسی محیط‌زیستی، مشکلات اجتماعی، بی‌تفاوتی عمومی، اخلاق محیط‌زیستی

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.